

بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران

اشرف‌السادات فاضلی،* علی‌عنایتی شبکلائی،** دکتر مهدی نجف‌زاده***

چکیده

مقاله حاضر برگرفته از پژوهشی است که در تابستان ۱۳۸۷ در مرکز تحقیقات سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با هدف بررسی میزان آگاهی و گرایش سیاسی مردم به احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران، انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: بیش از ۵۸ درصد مردم از طریق صداوسیما از عملکرد و برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی کشور آگاه می‌شوند.

نگرش مردم به احزاب، متأثر از کارکرد آنهاست چنان‌که از یک‌سو، ۵۶ درصد مردم وجود احزاب را باعث افزایش آگاهی سیاسی در جامعه می‌دانند و از سوی دیگر، ۵۶/۳ درصد پاسخگویان معتقدند که احزاب تنها در پی منافع گروهی و جناحی هستند. ۷۶/۸ درصد مردم عملکرد مثبت احزاب را در رشد آنها مؤثر می‌دانند.

واژگان کلیدی: احزاب سیاسی، آگاهی سیاسی، انتخابات، رسانه‌های گروهی، قدرت سیاسی، گرایش سیاسی، نظام سیاسی

Email:sbinam@yahoo.com

* کارشناس ارشد علوم اجتماعی، پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما

Email:enayati72@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم سیاسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات صداوسیما

Email:mehdinajaf@yahoo.com

*** دکترای علوم سیاسی

پذیرش نهایی: ۸۷/۹/۲۰

تجدیدنظر: ۸۷/۶/۱۸

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۳۰

مقدمه

حزب سیاسی^۱، عبارت از گروه یا سازمانی با عنوان و هویتی خاص است که می‌کوشد با معرفی نامزدهای مورد نظر خود، در انتخابات مختلف، قدرت را در دست گیرد. براساس این تعریف، احزاب از جمله مهم‌ترین سازمان‌های سیاسی نوین به‌شمار می‌روند که در دنیای کنونی تقریباً در همه کشورها وجود دارند (اپستین^۲، ۱۹۶۷، ص ۹). اگرچه برخی از صاحب‌نظران، دموکراسی را نظامی می‌دانند که در آن احزاب با یکدیگر رقابت می‌کنند، این بدان معنی نیست که احزاب سیاسی تنها در نظام‌های دموکراتیک فعال هستند (اسکات اشنايدر^۳، ۱۹۴۲). احزاب شرط لازم دموکراسی هستند اما شرط کافی آن نیستند. با وجود این پیشینه، مردم و حتی نخبگان سیاسی و پژوهشگران، آگاهی اندکی درباره زمینه‌ها، ماهیت و کارکرد حزب در ایران دارند. به همین دلیل منابع و آثار پژوهشی موجود در این زمینه نیز اندک است. این کمبود و کاستی بویژه در تحقیقات پیمایشی و سنجش نگرش مردم درباره احزاب سیاسی بیشتر به‌چشم می‌خورد. چنان‌که با وجود جستجو در مراکز پژوهشی، کتابخانه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی، منبعی که به این موضوع در سال‌های اخیر پرداخته باشد، یافت نشده است. بنابراین، چنانچه مقاله پیش رو گامی در جهت ورود به موضوع احزاب از دیدگاه مردم و پژوهش‌های آتی در این زمینه باشد، مقصود حاصل شده است.

مبانی نظری

احزاب سیاسی در صورت فراهم بودن شرایط ویژه و مناسب فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پدید می‌آیند. به عبارتی، جامعه مدنی^۴ باید به میزانی از رشد و پیچیدگی رسیده باشد تا زمینه پیدایش احزاب به‌عنوان نماینده منافع و علایق گوناگون فراهم شود (بیمه^۵، ۱۹۸۵). همچنین بخش قابل توجهی از مردم باید از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی آمادگی مشارکت در زندگی سیاسی را داشته باشند. به همین دلیل است

1. political party

2. Epstein

3. Schat Schneider

4. civil society

5. Beyme

که در جوامع سنتی^۱، امکان پیدایش حزب سیاسی به مفهوم جدید آن امکان‌پذیر نیست (لاپالومبارا^۲ و وینر^۳، ۱۹۶۶). جنبش‌های اجتماعی^۴ که براساس شکاف‌های گوناگون پیدا می‌شوند ممکن است حزب سیاسی مورد نظر را تأسیس کنند. برگزاری انتخابات مستمر و متعدد، وجود گرایش‌های گریز از مرکز و گریز از حکومت و فراهم بودن شرایط پذیرش احزاب مخالف در درون نظام حزبی موجب تعدد احزاب سیاسی در جوامع مختلف می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۴، صص ۱۲۶-۱۲۲).

کارکردهای احزاب

۱. کارکردهای عام احزاب: بیشترین کارکرد احزاب سیاسی، در زمینه انتخابات است که عمده‌ترین آن، شامل شکل دادن به افکار عمومی از طریق ارائه اطلاعات و تبیین و توجیه ایدئولوژی، تنظیم برنامه‌هایی برای نفوذ در مردم، گزینش نامزدهای حزبی برای شرکت در انتخابات، هماهنگ کردن یا همسان و همسو ساختن نمایندگان پارلمانی و تأثیر بر اعضای دولت منتخب برای تصویب و اجرای برنامه‌های مدنظر حزب را شامل می‌شود (لاپالومبارا و اندرسون^۵، ۱۹۹۲، ص ۴۰۰).

۲. کارکردهای آموزشی احزاب: کارکردهای آموزشی شامل اطلاع‌رسانی با هدف آگاه ساختن مردم از تصمیم‌ها و برنامه‌های سیاسی در تأیید خود یا رد رقیب است. آموزش نظری و عملی مردم به منظور ایجاد اطلاعات و انگیزه مشارکت در امور سیاسی از طریق رسانه‌ها و برنامه‌های جمعی، از دیگر کارکردهای آموزشی احزاب است. احزاب همچنین یکی از نهادهای جامعه‌پذیری و بسیج سیاسی^۶ در جامعه، بویژه در جوانان هستند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸، صص ۸۲-۶۷).

۳. سایر کارکردهای احزاب: تکوین برنامه‌ها و سیاست‌های حکومتی، هماهنگی و نظارت بر نهادها و سازمان‌های حکومتی و حلقه واسط بین مردم و حکومت از دیگر کارکردهای احزاب است (لیپست^۷، ۱۹۶۳، ص ۱۰).

-
- | | | |
|------------------------|----------------|---------------------------|
| 1. traditional society | 2. Lapalombara | 3. Weiner |
| 4. social movement | 5. Anderson | 6. political mobilization |
| 7. Lipset | | |

کارکردهای منفی احزاب

با توجه به ماهیت و کارکرد احزاب، برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که احزاب دارای آثار و نتایج منفی نیز هستند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. تضعیف همبستگی ملی: احزاب با ایجاد تردیدهای بی‌دلیل و هشدارهای دروغین جامعه را برمی‌آشوبند و بخشی از اجتماع را بر ضد بخش دیگر برمی‌انگیزند و به شورش^۱ و نافرمانی‌های^۲ پراکنده دامن می‌زنند (هانتینگتون^۳، ترجمه ثلاثی، ۱۳۷۰، ص ۵۸۶).

۲. عوام‌فریبی: یکی از آثار منفی که برای احزاب برمی‌شمارند، فریب مردم^۴ و افکار عمومی است. مطابق این دیدگاه، احزاب برای اینکه نظر مردم را جلب کنند با شیوه‌های گوناگون تبلیغ (پروپاگاندا^۵) سعی در وارونه جلوه دادن، بزرگ‌نمایی، جعل، تحریف و مسکوت گذاشتن واقعیات دارند.

۳. ایجاد بحران‌های اجتماعی در جامعه: احزاب گاه خواسته یا ناخواسته و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب افراط و تفریط در جامعه می‌شوند. از یک‌سو، آشوب‌های اجتماعی و از سوی دیگر، بی‌تفاوتی شهروندان و بیگانگی سیاسی^۶ توده‌ها ممکن است پیامد رفتار سیاسی احزاب باشد همچنین احزاب ممکن است در برخی رفتارهای ضداجتماعی^۷ و مضر سرمایه اجتماعی^۸ نقش داشته باشند (روسکین^۹، ۱۹۸۸).

۴. افراط در سیاسی‌نگری به مسائل: احزاب به‌طور معمول به مسائل و مشکلات جامعه رنگ سیاسی می‌دهند تا از این طریق راه نفوذ خود را در بین مردم هموار کنند. این در حالی است که بسیاری از مشکلات جامعه جنبه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند و رفع این مشکلات نیز نیاز به کار کارشناسی و تخصصی دارد.

شکل‌گیری و پیشینه احزاب در ایران

پیشینه حزب سیاسی در ایران به شکل احزاب مدرن و به‌طور نسبی و کلی، در چارچوب تعریف‌های پذیرفته‌شده و کنونی، به حدود صد سال پیش بازمی‌گردد. این

1. revolt

2. disobedience

3. Hantington

4. demagoguery

5. propaganda

6. political alienation

7. anti social

8. social capital

9. Roskin

دوره در ایران از زمان مشروطیت یعنی اواسط دوره قاجار آغاز شده است. با وجود این، تا مجلس دوم دوره مشروطیت، آنچه بیشتر در جامعه به چشم می‌خورد، انجمن‌های صنفی و اجتماعی بود. در واقع، در مجلس دوم بود که دو حزب دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون تشکیل شدند (رازی^۱، ۱۹۷۰). این دو حزب از زمان شکل‌گیری با متهم کردن یکدیگر، حمله به طرف مقابل را آغاز کردند. دموکرات‌ها خود را آزادی‌خواه می‌دانستند و مخالفان (اعتدالیون) را به فئودالیسم منسوخ و کهنه‌شده و دفاع از محافظه‌کاران و مستبدان متهم می‌کردند. در مقابل، اعتدالیون خود را طرفدار برابری می‌دانستند و مخالفان خود را به تندروی، هرج‌ومرج و بدنام کردن خدمتگزاران وطن و شخصیت‌های روحانی متهم می‌کردند (بهار، ۱۳۶۳، ص ۱۱).

به تدریج از مجلس سوم، احزاب کوچک‌تر دیگری نیز در مجلس و خارج از آن، به شکل حزب و گروه‌های شبه‌حزبی تشکیل شدند که از جمله آنها، جمعیت اتفاق و ترقی با گرایش سوسیالیستی بود. در برابر گروه یاد شده، حزب ترقی‌خواهان دارای گرایش‌های سرمایه‌داری بود (اتحادیه، ۱۳۶۱، ص ۲۲۶). سیدحسین مدرس در دوره چهارم وارد مجلس شد و حزب اصلاح‌طلبان^۲ را به وجود آورد که اکثر مجلس چهارم با ایشان بود. اصلاح‌طلبان در پی روشن ساختن روابط ایران با روسیه و سایر کشورها، آوردن مستشار برای وزارت دارایی از امریکا، حفظ بیت‌المال از دستبردهای احتمالی و وضع قانون استخدام و نظام اجباری بودند که در این راه موفق هم شدند. در مقابل اصلاح‌طلبان، حزب سوسیالیست به رهبری سلیمان میرزا قرار داشت که متمایل به مسلک و سیاست کمونیسم روسیه بود (بهار، ۱۳۶۳، ص ۲۷).

در دوره مشروطیت احزاب، شبه‌احزاب و گروه‌های سیاسی کوچک بسیاری تشکیل شدند که با مردم و طبقات مختلف جامعه رابطه و تعاملی ضعیف داشتند؛ در مقابل انجمن‌های سنتی هنوز به مردم نزدیک‌تر بودند و مردم نیز از آنها استقبال بیشتری می‌کردند. زیرا از یک‌سو، این انجمن‌ها با سنت‌ها و باورهای اجتماعی و فرهنگی مردم سازگارتر بودند و از سوی دیگر، اختلاف دیدگاه‌های میان احزاب موجب بدبینی مردم می‌شد. اختلاف‌ها ابتدا میان دو حزب دموکرات و اعتدالیون و به صورت اختلاف میان

1. Razi 2. reformists

تندروها و میانه‌روها بود اما به تدریج اختلاف میان احزاب آشکارتر و شدیدتر شد و به شکل اختلاف ایدئولوژیک میان چپ و راست ظاهر شد و شدت و تداوم یافت. بر این اساس واژه‌هایی چون ارتجاع، کهنه‌پرستی، فاناتیسم^۱، روسوفیل^۲ و آنگلوفیل^۳ بر زبان‌ها جاری شد و احزاب و گروه‌ها یکدیگر را به این صفات متهم کردند (تکمیل همایون، ۱۳۷۸، ص ۷۴).

با به قدرت رسیدن رضاخان و حکومت وی که از کودتای نظامی سوم اسفند ۱۲۹۹ و تحت حمایت انگلیس آغاز شد، به تدریج زمینه‌های استقرار نظام استبدادی فراهم شد، قدرت پارلمان کاهش یافت و احزاب و گروه‌های سیاسی درون و بیرون مجلس تضعیف شدند. در این دوره، در حالی که احزاب و شخصیت‌های آزادی‌خواه و استقلال‌طلب سرکوب شده بودند، حزب تجدد به رهبری سیدمحمد تدین که از همکاران نزدیک و طرفداران سردار سپه بود، در مجلس پنجم با هدف حمایت از تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی تشکیل شد.

پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و با توجه به فضای پس از سرنگونی رضاشاه و تضعیف حکومت، شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی مختلف به فکر ایجاد احزاب و گروه‌های سیاسی افتادند. این روند به ایجاد، گسترش و سرعت فعالیت احزاب در ایران در یک دوره ۱۲ ساله کمک کرد (ساتون^۴، ۱۹۴۹). در این دوره، گروه‌های سیاسی متعددی با گرایش‌های اسلامی، ملی و کمونیستی (سوسیالیستی) در موافقت یا مخالفت با حکومت شکل گرفتند.

از اواخر سال ۱۳۵۶ که فرضیه پیروزی انقلاب اسلامی مطرح شد. افراد و تشکل‌های زیادی با توجه به شرایط موجود یعنی آزادی‌های نسبی فراهم آمده، برای کسب امتیاز و قدرت بیشتر موجودیت خود را اعلام و فعالیت خود را آغاز کردند. این روند تا اوایل سال ۱۳۶۰ ادامه یافت و با وجود پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی برای کسب قدرت همچنان به فعالیت و مبارزه خود ادامه دادند. برخی گروه‌ها که در دو سال آخر حکومت سلطنتی ایران مبارزه مسلحانه را روش خود

1. fanatic

2. rusophile

3. anglophile

4. Sutton

در کسب قدرت می‌دانستند، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز همین شیوه را ادامه دادند. این روند موجب شد تا پس از گذشت دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی که با وقوع جنگ تحمیلی و گسترش فعالیت‌های براندازانه، مسلحانه و جدایی طلبانه برخی گروه‌ها همراه بود، فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی در کشور محدود و حتی به نوعی مسدود شود.

در این سال‌ها تنها حزب قانونی و رسمی کشور که فعالیت سیاسی داشت، حزب جمهوری اسلامی بود. اگرچه در کنار آن، برخی گروه‌های سیاسی که پیش از انقلاب اسلامی تشکیل شده بودند، مانند هیئت مؤتلفه اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نیز به‌طور محدود و مستقل به فعالیت‌های سیاسی می‌پرداختند. در عمل، با اعلام انحلال حزب جمهوری اسلامی، هیچ حزب و گروه سیاسی قانونی در کشور فعالیت نمی‌کرد. سیاست‌های تندروانه و غیرمنطقی و رفتارهای هرج و مرج طلبانه گروه‌ها و احزاب سیاسی در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و لزوم یکپارچگی سیاسی و نگرانی از پراکندگی و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی موجب شد تا هم احزاب و گروه‌های سیاسی تشکیلات و عملکرد مناسبی نداشته باشند، هم مردم گرایش و تمایلی به فعالیت‌های سیاسی سازمان‌یافته در تجمیع و بیان دیدگاه‌های سیاسی خود و ورود به عرصه سیاست و قدرت نشان ندهند و هم حکومت بستری برای احزاب و گروه‌های سیاسی فراهم نکند. این وضع تا پایان جنگ تحمیلی ادامه یافت. هرچند در این دوران، بویژه در زمان انتخابات مجلس شورای اسلامی برخی گروه‌های سیاسی با اعلام ائتلاف‌ها و برنامه‌های انتخاباتی، سعی در کسب آرای مردم و پیروزی در انتخابات پارلمانی داشتند، آنها را نمی‌توان به‌عنوان احزاب سیاسی در ایران پذیرفت. چنان‌که خود این گروه‌ها نیز بیشتر خود را تشکل‌های مذهبی، اجتماعی و صنفی می‌دانستند و از اینکه خود را حزب سیاسی بدانند ابا داشتند (برزین، ۱۳۷۷).

پس از برگزاری انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری و روی کار آمدن دولت خاتمی، فرصت مناسبی برای احزاب و گروه‌های سیاسی فراهم شد. به گونه‌ای که از ۲۴۰ حزب و تشکل سیاسی رسمی در کشور، ۳۷ تشکل سیاسی در دولت آقای هاشمی‌رفسنجانی، ۱۸۳ تشکل سیاسی در دولت آقای خاتمی و ۲۰ تشکل سیاسی در سه سال اول دولت آقای احمدی‌نژاد ثبت شده و پروانه فعالیت دریافت کرده‌اند (اداره

کل تشکل‌های سیاسی وزارت کشور، ۱۳۸۷). برخی از این تشکل‌ها که به نام حزب، جبهه، سازمان، جمعیت، انجمن، ائتلاف، مجمع، جامعه و مانند اینها در کشور فعالیت دارند، دائمی و برخی فصلی هستند. تشکل‌های فصلی در مناسبت‌های خاص، بویژه در زمان انتخابات فعال می‌شوند. با وجود این، شخصیت‌های سیاسی کشور که در احزاب رسمی (ثبت شده) و غیررسمی فعال هستند، به بیش از چند صد نفر نمی‌رسند. این امر نشان می‌دهد که برخی از این تشکل‌ها تنها بر روی کاغذ وجود دارند و واقعیت خارجی یا فعالیت سیاسی ندارند. امروزه احزاب سیاسی موجود و تا حدودی فعال نیز نقش اندکی در روند تحولات سیاسی کشور دارند و بیشتر آنها حاشیه‌نشین و نظاره‌گر میدان سیاست کشور هستند. در حال حاضر هیچ حزب یا گروه سیاسی با پیشینه طولانی در کشور وجود ندارد. برای ساخت جامعه مدرن، به احزاب مدرن فعال و پویا نیاز است و داشتن چنین احزابی نیازمند زمینه‌ها و بسترهای مناسب و در کنار آن وجود رهبران توانمند و آشنا به سیاست مدرن و اشکال مناسب مدیریت جامعه است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه انجام شده و از روش پیمایش محله‌ای - میدانی، ویژه مرکز تحقیقات استفاده شده است. در این روش، ابتدا نقشه شهرهایی که در آن نظرسنجی انجام می‌شود، به‌طور شطرنجی و با مربع‌هایی با سطح یکسان تقسیم‌بندی و شماره‌گذاری می‌شود و در مرحله بعد، تعدادی مربع به‌طور تصادفی انتخاب می‌گردد. پس از مشخص شدن واحدهای تصادفی گزینش‌شده، با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی آن واحد، یکی از معابر که می‌تواند محل عبور و مرور عامه مردم باشد، انتخاب می‌شود و پرسشگر در طول روز و طی سه زمان ۲ ساعته (صبح، ظهر، عصر) تکمیل پرسشنامه را انجام می‌دهد. به این صورت که در پایان هر دوره (برای مثال ۱۰، ۱۵ یا ۲۰ دقیقه)، اولین فردی که در معرض دید پرسشگر قرار می‌گیرد، به‌عنوان نمونه و پاسخگو انتخاب و از او پرسش می‌شود. در انتخاب نمونه نیز هیچ عاملی غیر از تصادفی بودن تأثیرگذار نیست. اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها پس از گردآوری و استخراج، کدگذاری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این نظرسنجی، افراد دیپلم و بالاتر ساکن در تهران و ۳۲ شهر دارای مراکز صداوسیما سراسر کشور هستند. حجم نمونه نیز ۱۵۳۷۸ نفر از جامعه آماری یاد شده است.

هدفهای پژوهش

۱. دستیابی به منابع آگاهی مردم از احزاب سیاسی کشور
۲. دستیابی به نظر مردم درباره مهم‌ترین عوامل مؤثر در رأی دادن مردم به نامزدها
۳. دستیابی به نظر مردم درباره میزان توجه احزاب و گروه‌های سیاسی به خواسته‌های مردم
۴. دستیابی به نظر مردم درباره میزان تأثیر عوامل مختلف در رشد احزاب سیاسی ایران
۵. دستیابی به نظر مردم درباره مفید یا ناکارآمد بودن احزاب سیاسی در ایران
۶. دستیابی به نظر مردم در مورد عملکرد صداوسیما درباره احزاب و گروه‌های سیاسی ایران

یافته‌های پژوهش

سیمای پاسخگویان از لحاظ خصوصیت و ویژگی‌هایی مانند توزیع جنس، سن، میزان تحصیلات، نوع فعالیت و وضعیت تأهل به قرار زیر است:

کل پاسخگویان این نظرسنجی ۱۵۳۷۸ بوده‌اند و از این تعداد ۵۳ درصد را مردان و ۴۷ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. نظرسنجی در ۳۲ شهر کشور انجام شده است.

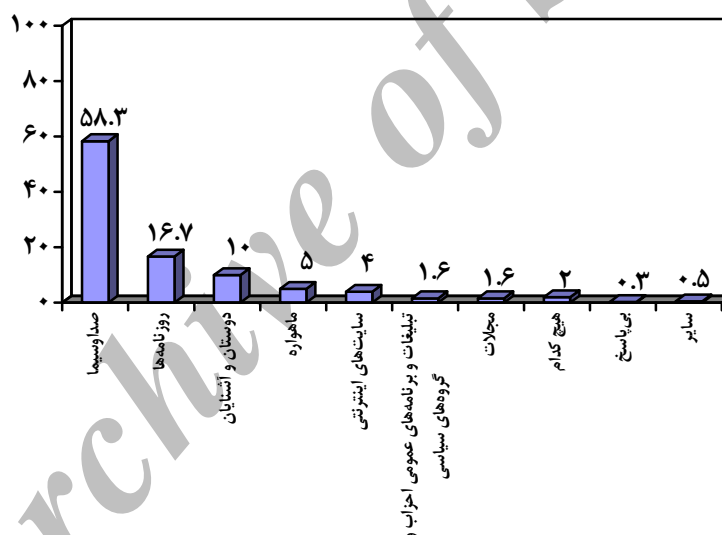
۴۱/۳ درصد پاسخگویان، شاغل و ۱۵/۳ درصد آنان بیکار بوده‌اند. ۲۰/۷ درصد دانشجو، ۱۹ درصد خانه‌دار و ۳/۶ درصد بازنشسته بوده‌اند. ۷۷/۵ درصد پاسخگویان ۱۸-۳۵ ساله، ۱۷/۸ درصد ۳۶-۴۹ ساله و ۴/۶ درصد ۵۰ ساله و بالاتر بوده‌اند. ۴۹/۸ درصد پاسخگویان دیپلم و ۲۶/۱ درصد تحصیلات عالی داشته‌اند. ۶۷/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۵۳/۵ درصد متأهل بوده‌اند.

افراد با تحصیلات عالی بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی از «روزنامه‌ها»

۲۳ درصد)، «سایت‌های اینترنتی» (۷/۴ درصد) و «ماهواره» (۵/۶ درصد) برای آگاهی از عملکرد و برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی کشور استفاده می‌کنند. در حالی که افراد دیپلمه و پیش‌دانشگاهی بیشتر از سایرین از «صداوسیما» (۶۰/۸ درصد) و «دوستان و آشنایان» (۱۱ درصد) استفاده می‌کنند.

به لحاظ شغلی نیز افراد بازنشسته بیشتر از سایر گروه‌های شغلی از «روزنامه‌ها» (۲۴ درصد)، افراد خانه‌دار از «صداوسیما» (۶۶/۱ درصد) و دانشجویان از «سایت‌های اینترنتی» (۷ درصد) برای آگاهی از عملکرد و برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی کشور بهره می‌گیرند.

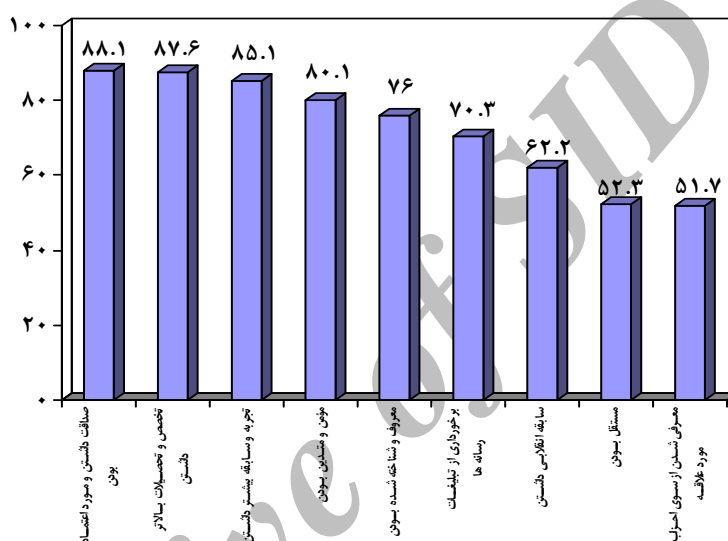
نمودار ۱- منابع آگاهی پاسخگویان از عملکرد و برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی (درصد)



چنان‌که نمودار ۱ نشان می‌دهد، ۵۸/۳ درصد پاسخگویان از طریق «صداوسیما» و ۱۶/۷ درصد از طریق «روزنامه‌ها» از عملکرد و برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی کشور آگاه می‌شوند. «دوستان و آشنایان» (۱۰ درصد)، «ماهواره» (۵ درصد)، «سایت‌های اینترنتی» (۴ درصد)، «تبلیغات و برنامه‌های عمومی احزاب و گروه‌های سیاسی» (۱/۶ درصد) و «مجلات» (۱/۶ درصد) سایر منابع آگاهی پاسخگویان از عملکرد و

برنامه‌های احزاب و گروه‌های سیاسی کشور هستند. ۲ درصد پاسخگویان پاسخ «هیچ‌کدام» داده و ۳/۰ درصد پاسخی به این پرسش نداده‌اند.

نمودار ۲- مهم‌ترین عوامل مؤثر در رأی دادن مردم به نامزدها از نظر پاسخگویان (درصد خیلی زیاد و زیاد)

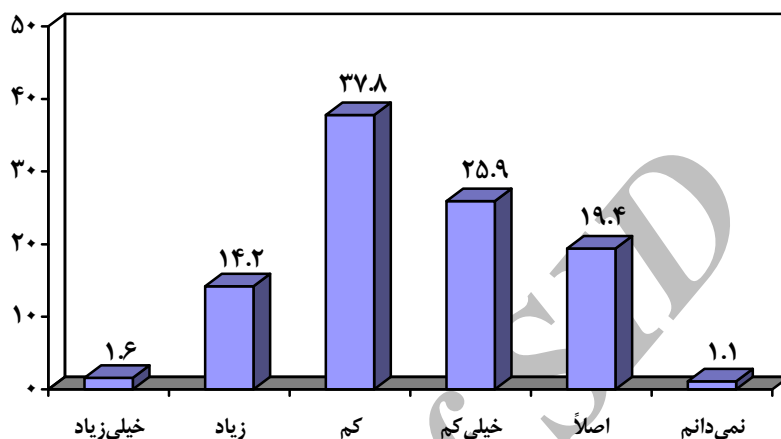


همان‌گونه که نمودار ۲ نشان می‌دهد، از نظر پاسخگویان «صداقت داشتن و مورد اعتماد بودن» (۸۸/۱ درصد)، «تخصص و تحصیلات بالاتر داشتن» (۸۷/۶ درصد) و «تجربه و سابقه بیشتر داشتن» (۸۵/۱ درصد) بیش از سایر عوامل در حد «زیاد و خیلی‌زیاد» در رأی‌دادن مردم به نامزدها مؤثر است.

همچنین مستقل بودن (۵۲/۳ درصد) و معرفی شدن از سوی احزاب مورد علاقه (۵۱/۷ درصد) کمتر از سایر عوامل در حد «زیاد و خیلی‌زیاد» در رأی‌دادن مردم به نامزدها مؤثر است.

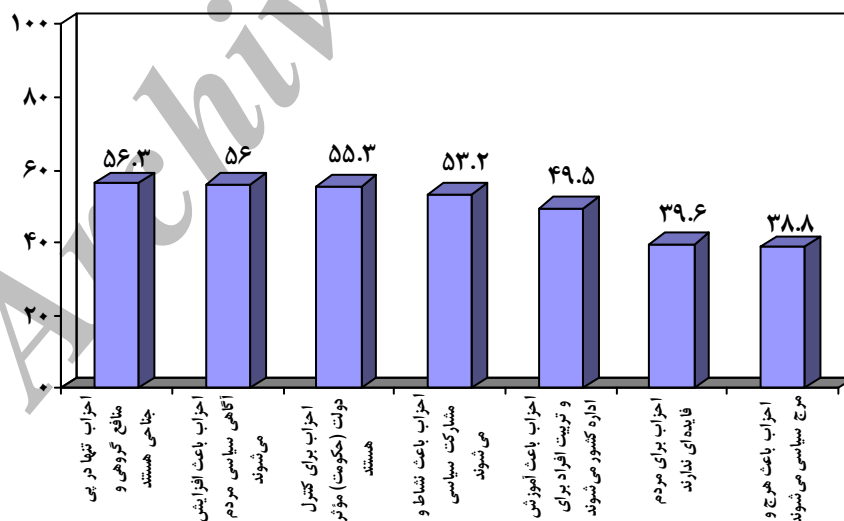
* هر پاسخگو مجاز به انتخاب بیش از یک پاسخ بوده است.

نمودار ۳- میزان توجه احزاب و گروه‌های سیاسی به خواسته‌های مردم از نظر پاسخگویان (درصد)



همان گونه که نمودار ۳ نشان می‌دهد، ۱۵/۸ درصد پاسخگویان معتقدند احزاب به خواسته‌های مردم توجه دارند.

نمودار ۴- میزان موافقت پاسخگویان با گویه‌های مربوط به احزاب سیاسی (درصد موافق و کاملاً موافق)



برای سنجش نگرش پاسخگویان نسبت به احزاب و گروه‌های سیاسی گویه‌هایی درباره احزاب سیاسی به آنان ارائه و از آنان خواسته شد میزان موافقت خود را با هر یک از این گویه‌ها بیان کنند. همان‌گونه که نمودار ۴ نشان می‌دهد، ۵۶/۳ درصد پاسخگویان با گویه «احزاب تنها در پی منافع گروهی و جناحی هستند»، ۵۶ درصد با «احزاب باعث افزایش آگاهی سیاسی مردم می‌شوند» و ۵۵/۳ درصد با «احزاب برای کنترل دولت مؤثر هستند» موافق بوده‌اند. همچنین سایر نتایج نشان می‌دهد که:

- زنان (۵۱/۳ درصد) بیشتر از مردان (۴۹/۱ درصد) با «ناکارآمد بودن احزاب**» موافق بوده‌اند.

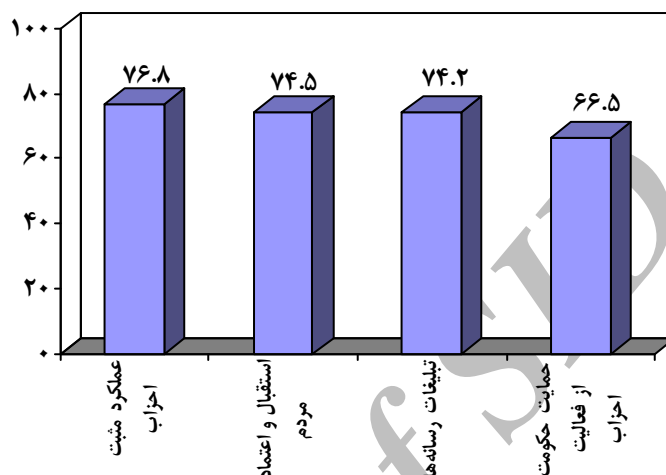
- افراد میانسال بیشتر از سایر گروه‌های سنی (۵۲/۳ درصد) و افراد فوق‌دیپلم بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی (۵۱/۷ درصد) موافق ناکارآمد بودن احزاب بوده‌اند.

- افراد میانسال بیشتر از سایر گروه‌های سنی (۶۴/۳ درصد) و افراد دارای دیپلم و با تحصیلات پیش‌دانشگاهی بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی (۶۲/۶ درصد) با «مفید بودن احزاب**» موافق بوده‌اند.

* متغیر جدید حاصل تلفیق گویه‌های «احزاب برای مردم فایده‌ای ندارند»، «احزاب تنها در پی منافع گروهی و جناحی هستند»، «احزاب ابزاری در دست دولت هستند.» و «احزاب باعث هرج‌ومرج سیاسی می‌شوند.» است.

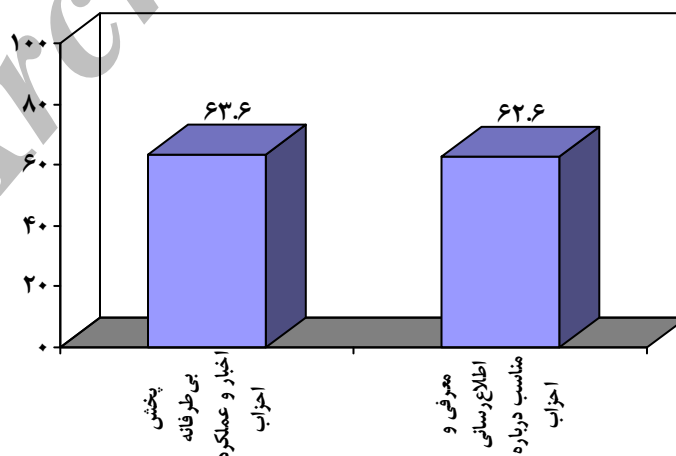
** متغیر جدید حاصل تلفیق گویه‌های «احزاب باعث افزایش آگاهی سیاسی مردم می‌شوند»، «احزاب در کنترل دولت (حکومت) مؤثر هستند»، «احزاب باعث آموزش و تربیت افراد برای اداره کشور می‌شوند.» و «احزاب باعث نشاط و مشارکت سیاسی می‌شوند.» است.

نمودار ۵- میزان تأثیر عوامل مختلف بر رشد احزاب در ایران از نظر پاسخگویان
(درصد زیاد و خیلی زیاد)



همان‌گونه که نمودار ۵ نشان می‌دهد، ۷۶/۸ درصد، «عملکرد مثبت احزاب»، ۷۴/۵ درصد، «استقبال و اعتماد مردم»، ۷۴/۲ درصد «تبلیغات رسانه‌ها» و ۶۶/۵ درصد، «حمایت حکومت از فعالیت احزاب» را در حد «زیاد و خیلی زیاد» بر رشد احزاب مؤثر دانسته‌اند.

نمودار ۶- نظر پاسخگویان درباره عملکرد صداوسیما در خصوص احزاب
(درصد خوب و خیلی خوب)



همان‌طور که نمودار ۶ نشان می‌دهد ۶۳/۶ درصد پاسخگویان عملکرد صداوسیما را در زمینه «پخش بی‌طرفانه اخبار و عملکرد احزاب» و ۶۲/۶ درصد در زمینه «معرفی و اطلاع‌رسانی مناسب درباره احزاب» در حد «خوب و خیلی خوب» دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بیش از ۵۸ درصد پاسخگویان منبع آگاهی خود از عملکرد و برنامه‌های احزاب را صداوسیما معرفی کرده‌اند. در این میان نقش اندک تبلیغات و برنامه‌های عمومی احزاب نیز برای شناساندن خود قابل توجه است (نمودار ۱). این موضوع نشان‌دهنده فعال و فراگیر نبودن احزاب و فصلی و مقطعی بودن آنهاست.

کارکرد اصلی احزاب، شرکت در انتخابات و معرفی نامزدهای حزبی است اما نظر پاسخگویان بیانگر آن است که مردم معرفی شدن نامزدها را از سوی احزاب کم‌اهمیت‌ترین عامل در انتخاب خود می‌دانند. در مقابل، عواملی مانند مورد اعتماد بودن، مدرک و سابقه بالاتر داشتن، معروف بودن و برخورداری از تبلیغات رسانه‌ها را به مستقل بودن یا حزبی بودن نامزدها ترجیح می‌دهند (نمودار ۲). دلیل این امر نیز در نظرسنجی از پاسخگویان روشن شده است. بیش از ۶۳ درصد پاسخگویان معتقدند احزاب و گروه‌های سیاسی توجه اندکی به خواسته‌های مردم دارند (نمودار ۳). در مورد سایر کارکردهای احزاب نیز مردم بر این باورند که احزاب هم کارکردهای مثبتی چون افزایش آگاهی مردم و افزایش مشارکت سیاسی دارند و هم دارای کارکردهای منفی مانند ترجیح منافع حزبی و گروهی بر منافع عمومی و افزایش هرج و مرج هستند. این موارد مثبت و منفی از نظر مردم تقریباً یکسان یا به هم نزدیکند (نمودار ۴). این در حالی است که بیشتر صاحب‌نظران جهان و اکثر مردم کشورهای توسعه‌یافته کارکردهای مثبت احزاب را بیش از کارکرد منفی آنها می‌دانند. اینکه چرا مردم ایران چنین نگرشی به کارکرد احزاب دارند به شخص‌محوری و ناکارآمدی احزاب، تک‌بعدی بودن و کم‌توجهی آنها به مسایل و موضوعات مختلف جامعه و وجود فرهنگ سیاسی غیرمشارکتی در جامعه و در میان احزاب مربوط می‌شود.

مهم‌ترین راهکار رشد احزاب در ایران از نظر مردم به عملکرد مثبت آنها مربوط می‌شود. سایر عوامل در این زمینه، استقبال و اعتماد مردم، تبلیغات و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها

و پشتیبانی حکومت از فعالیت آزادانه احزاب است (نمودار ۵). یکی از موانع کارآمدی احزاب سیاسی، شخص محوری به جای سازمان‌گرایی است که بر این اساس، گروه‌ها و فراکسیون‌های حزبی پیرامون شخصیت قدرتمند، شکل می‌گیرند و روابط شخصی به جای مشارکت نهادینه و رقابت قانونمند بر روابط، تعاملات و تصمیم‌گیری‌های حزبی حاکم می‌شود. پیامد شخصی‌شدن احزاب، سوءاستفاده از قدرت و در نتیجه کاهش اعتماد مردم به آنهاست (ازغندی، ۱۳۷۶). احزاب سیاسی در ایران مقوله‌های آموزش، جذب نیروهای جدید، کادرسازی و گردش نخبگان را جدی نگرفته‌اند و همین امر موجب شده است هیچ یک از آنها گسترش نیابند و از نظر مردم، شرایط مناسب را برای کسب قدرت و اداره امور نداشته باشند. بیشتر احزاب، به‌عنوان بازیگران سیاسی تنها در پی کسب قدرت بوده‌اند و کارویژه‌های دیگر خود از جمله، تجمیع و انعکاس مطالبات مشروع و قانونی مردم به نظام سیاسی، تربیت شهروندان برای شرکت در مدیریت‌های عمومی و ملی، تأثیرگذاری مؤثر بر فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، ایجاد تعادل و ثبات سیاسی، شفاف کردن عرصه سیاست، تقویت نظارت عمومی بر عملکرد دولت و مانند آن را یا دنبال نکرده‌اند یا کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. این امر احزاب را در عرصه عمومی و نزد افکار عمومی به نیروهای بخشی و یک‌جانبه‌نگر و ناکارآمد تبدیل کرده و به آنها آسیب جدی وارد ساخته است.

در تاریخ معاصر در فرصت‌هایی که مبارزات و فعالیت‌های سیاسی امکان‌پذیر شده است، احزاب به جنجال‌ها، درگیری‌ها، پرخاشگری‌ها، حذف‌ها، اتهام‌ها، التهاب‌ها و هیجان‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی روی آورده‌اند و کمتر زمینه‌ای برای رفتارهای سیاسی-گروهی مشارکتی و مسالمت‌آمیز ایجاد کرده‌اند (تبریزیا، ۱۳۷۱، ص ۲۴۶). این امر نیز در بدگمانی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به احزاب مؤثر بوده است.

مقطعی و موسمی بودن، یکی از ویژگی‌های به نسبت ثابت احزاب سیاسی در ایران بوده است. این امر بویژه در زمان انتخابات بیشتر به چشم می‌خورد. به گونه‌ای که در حال حاضر نیز چنین رویه‌ای وجود دارد. برخی از احزاب، گروه‌ها، ائتلاف‌ها و مانند آن در زمان انتخابات مطرح می‌شوند و بلافاصله پس از پایان موسم انتخابات، اسم و رسمی از آنها باقی نمی‌ماند. این امر نشان‌دهنده بی‌پایه و کوتاه‌مدت بودن اهداف آنهاست. به‌طور طبیعی در چنین وضعی مردم به احزاب بی‌ریشه و در کل همه احزاب بدبین می‌شوند و آنها را فصلی، منفعت‌طلب، فرصت‌طلب و غیرپاسخگو تلقی می‌کنند.

ساختار فرهنگی جامعه ایرانی، متأثر از سلطه دیرپای استبداد و حاکمیت مطلق فردی و آموزه‌های سنتی- ساختاری، به‌طور عمده مبتنی بر مطلق‌گرایی، تقسیم مقولات به خیر و شر و سیاه و سفید نگرستن به افراد، افکار و اعمال بوده و به‌نوبه خود، در تشدید فضای بدبینی و روح فردگرایی که در مابین با نسبی‌نگری، تسامح، تحمل آرا و اقوال مختلف و مخالف است مؤثر بوده است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۸، ص ۳۷۰). به موارد یادشده ویژگی‌های دیگری چون آمریت در فرهنگ ایرانی، وجود نظریه توطئه^۱، بی‌تفاوتی سیاسی مردم^۲، بی‌اعتمادی سیاسی^۳، مناسبات شخصی، پذیرش شایعه، پذیرش فرهنگ دوگانه سلطه و تسلیم (حاکم و محکوم) (قاضی‌زاده، ۱۳۷۸، صص ۳۳۹-۳۳۵) را نیز می‌توان اضافه کرد که همه آنها در تضاد با تحزب و فرهنگ حزبی و تشکیلاتی در مردم هستند (فارسون^۴ و مشایخی، ۱۹۹۲).

هنگامی که جامعه مدنی ضعیف باشد، دولت‌ها بدون واسطه نهادهای برخاسته از متن جامعه همچون احزاب سیاسی، نهادها و تشکل‌های فعال و مستقل مدنی، به توده‌ها دسترسی دارند و به‌طور مستقیم به کنترل، هدایت، سازماندهی و به‌کارگیری نیروهای اجتماعی می‌پردازند. از سوی دیگر، پیدایش و رشد احزاب سیاسی نیازمند وجود جامعه مدنی توسعه‌یافته و نیرومند است زیرا پیش از احزاب سیاسی، به گروه‌ها و انجمن‌هایی نیاز است که تقاضاهای خود از دولت را مطرح کنند. عوامل تولید، تجمیع و بیان این تقاضاها در جوامع توسعه‌یافته ابتدا گروه‌ها، جنبش‌ها و تشکل‌های اجتماعی، صنفی و طبقاتی هستند و سپس احزاب در سطوح کلان‌تر و در مراکز رسمی تصمیم‌گیری این تقاضاها را پی‌گیری می‌کنند. از سوی دیگر، جامعه مدنی خود بستری برای تربیت افراد فعال و عضویت و فعالیت مردم در احزاب است. بسیاری از احزاب سیاسی ایران ریشه‌های ژرف و گسترده اجتماعی نداشته‌اند و احزاب بدون پایگاه اجتماعی به‌طور عمده فاقد تشکیلات مردمی بوده‌اند. این‌گونه تشکل‌ها دارای پایه‌های شکل‌گیری و ماندگاری طبیعی نبوده و از بطن شرایط اجتماعی سرچشمه نگرفته‌اند (توحیدفام، ۱۳۷۸، ص ۹۹).

در گذشته، ساخت قدرت یک‌جانبه در ایران که قدرت سیاسی در آن در اصل

1. conspiracy theory 2. political apathy 3. political mistrust
4. Farsoun

مشروعیت خود را از منابعی غیر از جامعه به دست می‌آورد، جایی برای تشکیل نهادها و مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی مردمی باقی نمی‌گذاشت. در حکومت استبدادی از مردم‌سالاری خبری نبود و در غیاب مردم‌سالاری نشانی از رقابت سیاسی وجود نداشت و وقتی رقابت نبود، گروه سیاسی منسجم، مستقل و منتقدی هم یافت نمی‌شد. به همین دلیل احزاب به جای مردم به حکومت روی می‌آوردند و به آن وابسته می‌شدند.

راهکارهایی برای رسانه ملی

صداوسیما بایگانی همیشگی و دقیقی فراهم می‌کند که مردم سال‌ها می‌توانند از آنان بهره‌مند شوند، این رسانه وسیله ارتباطی سریعی است که شهروندان را از رویدادهای داخلی و خارجی به سرعت آگاه می‌کند. صداوسیما بر وسعت دانش افراد از راه‌های مختلفی که در زندگی تجربه نکرده‌اند، می‌افزاید. این رسانه همچنین می‌تواند گروه‌های اجتماعی را که شبکه‌های مستقیم اجتماعی از آنها تشکیل می‌شود، هماهنگ سازد. رهبران احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف از طریق رسانه ملی از جریان امور باخبر می‌شوند و دیدگاه‌های مشابه و تصورات همسانی در مورد آنچه درباره احزاب مهم است، کسب می‌کنند. این رسانه به دلیل فراگیری، در دسترس بودن و تأثیرگذاری می‌تواند اطلاعاتی را که قابل فهم همگان است در گستره وسیعی به صورت همزمان پخش کند. به این ترتیب صداوسیما می‌تواند شبکه روابط شخصی و گروهی کوچک را در واحدی کلی و ملی ممکن سازد و زمینه همسان‌سازی را فراهم آورد. به گونه‌ای، حتی می‌تواند وجود و فعالیت احزاب سیاسی فراگیر را تسهیل کند. این احزاب به برنامه‌ها، شعارهای سیاسی و سیاست‌هایی که موجب جلب آرای مردم در سراسر کشور شوند، نیازمندند اما خود، فرصت و امکانات اندکی برای این منظور در اختیار دارند. مردم بدون آشنایی با احزاب و شخصیت‌های سیاسی که قرار است نماینده آنان باشند و بدون بحث و تبادل نظر درباره آنها، نخواهند توانست نمایندگانشان را برگزینند یا مورد انتقاد قرار دهند. کارکرد رسانه ملی ضامن ارزیابی مستمر عملکرد احزاب و اعلام رضایت یا نارضایتی مردم از آن است. گوناگونی و تکرار برای برتری حقیقت

ضروری است و حقیقت چیزی جز کنار هم قرار دادن عناصر گاه مخالف با هم نیست. در مقابل اگر حتی حقیقت مورد چالش واقع نشود و با آرای مخالف روبه‌رو نگردد، می‌تواند به جزم‌اندیشی و تعصب منتهی شود. رسانه باید بدون رویارویی با هرگونه محدودیت، عقاید و آرای احزاب مخالف و موافق را در چارچوب مصالح ملی مطرح کند تا اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی مناسبی به افکار عمومی صورت گیرد.

قدرت سیاسی در جامعه ما همانند بیشتر جوامع، میان نمایندگان، احزاب و گروه‌های رقیب تقسیم شده است که هیچ کدام قادر نیستند سلطه بی‌منازع خود را بر جامعه و یکدیگر اعمال کنند. هرکدام قدرتی دارند و هیچ کدام قدرت مطلق نیستند. رقابت میان آنها بر پایه موازین کم‌وبیش مشابه سبب توزیع قدرت می‌شود. هر کدام از این گروه‌ها و احزاب باید بتوانند در فرایند تصمیم‌گیری‌های کلی جامعه صدای خود را به گوش شهروندان برسانند. قانون و بی‌طرفی رسانه ملی ضامن آن است که صداوسیما در برابر احزاب و گروه‌های سیاسی، جانبداری یا کینه‌ورزی خاصی نکند و همه را به یک چشم بنگرد تا تنوع و توازن میان احزاب پایدار و بی‌طرفی و تأثیر رسانه ماندگار بماند. به این ترتیب ضمن انعکاس گرایش‌ها، صداها و عملکردهای متنوع و مختلف در جامعه، بی‌طرفی و استقلال رسانه ملی نیز حفظ می‌شود. در چنین وضعیتی بینندگان و شنوندگان رسانه ملی که مخاطب منفعلی نیستند، بیش از پیش به رسانه اعتماد خواهند کرد و از برنامه‌های آن رضایت خواهند داشت.

منابع

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره. (۱۳۶۱). پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره اول و دوم مجلس شورای ملی). تهران: گستره.
- اداره کل تشکل‌های سیاسی وزارت کشور. (۱۳۸۷). مشخصات تشکل‌های سیاسی. بازیابی از: <http://www.moi.ir>
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۷۶). ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب. تهران: قومس.
- برزین، سعید. (۱۳۷۷). جناح‌بندی‌های سیاسی در ایران. تهران: مرکز.

بشیریه، حسین. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نی.

بهار (ملک الشعراء)، محمدتقی. (۱۳۶۳). تاریخ مختصر احزاب سیاسی، (انقراض) قاجاریه. تهران: امیرکبیر.

تبریزیا، حسین. (۱۳۷۱). علل ناپایداری احزاب سیاسی ایران. تهران: بین‌الملل.
تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۸). نگاهی به چگونگی شکل‌گیری حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی در ایران، در مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم: تحزب در ایران. تهران: همشهری.

توحیدفام، محمد. (۱۳۷۸). بررسی علل ناسازگاری نظام سیاسی ایران با توسعه سیاسی. در مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم: تحزب در ایران. تهران: همشهری.

قاضی‌زاده، علیرضا. (۱۳۷۸). زندگی سیاسی و احزاب سیاسی در مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم: تحزب در ایران. تهران: همشهری.

مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۷۸). موانع تکوین احزاب سیاسی در ایران در مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم: تحزب در ایران. تهران: همشهری.

نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۷۸). حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز. تهران: دادگستر.
هانتینگتون، سموئل. (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی (ترجمه محسن ثلاثی). تهران: علم.

Beyme, K. (1985). **Political parties in western democracies**. London: Gower, Alder shot.

Epstein, L.D. (1967). **Political parties in western democracies**. New York: Praeger.

Farsoun, S.K. & Mashayekhi, M. (1992). **IRAN, Political culture in the Islamic Republic**. London: Rutledge.

Lapalombara, J. & Anderson, J. (1992). **Political Parties, in Encyclopedia of Government and Politics**. London: Rutledge.

Lapalombara, J. & Weiner, M, (eds.). (1966). **political parties and political**

development. New jersey: Princeton university press.

Lipset, S.M. (1963). **political man: the social bases of politics.** New York: anchor books.

Mair, P. (1997). **Party system change.** New York: Oxford University Press.

Razi, G.H. (1970). Genesis of Party in Iran: A Case study of Interaction between Political system and Political party. **Iranian Studies**, vol.3.

Roskin, M.G. (1998). **political science: an introduction.** New jersey: prentice hall.

Schat Schneider, E.E. (1942). **party government.** New York: Rinehart & Winston.

Sutton, E. (1949). Political Parties in Iran. **Middle East Journal**, vol.3.

Archive of SID